



۲۰۱۶ واژه مشابه انگلیسی و داند رانی

علی صالحی



نشر مهریان نیکا
شماره ثبت: ۱۰۶۲۴

۱۳۹۳

سرشناسه	: صالحی، علی، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: 207 واژه مشابه انگلیسی و مازندرانی/ علی صالحی.
مشخصات نشر	: نکا : مهربان نیکا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۰ ص.
شابک	: 978-600-93463-8-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
دانش	: کتابنامه
موضوع	: ادبیات تطبیقی -- انگلیسی و ایرانی
موضوع	: مازندرانی -- مطالعات تطبیقی
موضوع	: زبان انگلیسی -- مطالعات تطبیقی
موضوع	: ادبیات تطبیقی -- ایرانی و انگلیسی
رده بندی	: ۸۷۹PN / الفص ۲، ۱۳۹۳
رده بندی دیوبند	: ۸۰۹/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۵۴۲



- عنوان کتاب : ۲۰۷ واژه مشابه انگلیسی و مازندرانی
- نویسنده : علی صالحی
- انتشارات: مهربان نیکا
- نوبت چاپ و سال چاپ : اول ۱۳۹۳
- شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه
- محل نشر : مازندران
- چاپ و صحافی : وظیفه
- قیمت : ۹۰۰۰ تومان
- نشانی انتشارات : نکا- صندوق پستی : ۱۱۷-۴۸۴۱۵
- تلفن : ۰۹۳۰۱۵۷۲۶۳۷ - ۰۱۵۲۵۶۲۳۶۴۰
- نشانی سایت : www.mehrabannika.com
- Email : mehrabane.nika91@yahoo.com
- حق چاپ برای انتشارات مهربان نیکا محفوظ است.

مقدمه

یادگیری زبان، خواه زبان بومی و native باشد خواه زبان خارجی یا زبان دوم، تابع یک سلسله عواملی است که بخشی از این عوامل تقویت کننده اند و بخشی دیگر تضعیف کننده. تناسب با یادگیری اشخاص و فراگیران روشهای آموزشی نیز می تواند چهره های رنگارنگ خود بگیرد. هر کس به تناسب استعداد و قابلیت های خاص خود می تواند زبان را فرا بگیرد. از آنجایی که استفاده کند و از عواملی که اثر منفی دارند اجتناب نماید.

دوستانی که به مدت سالها به فرمودند قطعاً بی درنگ به یاد زبانشناسی مقابله ای می افتند. آنجا که صحبت از اشتراکات و افتراقات زبانهاست. محرکها، پاسخها، تقویت کننده ها و ... که در بحث رفتارهای جایگاه ویژه ای دارند. مقایسه یا مقابله دو چیز یا دو زبان لازم و اجتناب ناپذیر است. اگر چنان نباشد چنین مقابله و مقایسه ای شاید کمی نامرغوب نظر برسد. پس در حقیقت دو چیز باید قابل مقایسه یا Comparable باشند تا بتوان آنها را مقایسه کرد.

بعضی از زبانشناسان با این ایده مخالفند و وجود نقاط اشتراک یا غیر مشترک را تسهیل کننده نمی دانند و برخی عکس آنهایند. اینجانب بعنوان یک دانشمند به بررسی مشخصی خود را هنگام فراگیری زبان خارجی تحلیل نموده ام و به نتایجی رسیده ام که چکیده آن را زیر می آید. زمانی که در دوره راهنمایی با کتاب عربی و در نتیجه یک زبان خارجی را یاد گرفتم که یادگیری «مفهوم» کلمات مشترک ما با عربی برایم بسیار آسانتر از غیر مشترکهاست. برای مثال برای یادگیری مفهوم واژه های «کتاب، قلم، نور، صالح، غفور - جابر عادات» و ... هیچ نیازی برای فکر کردن و فعالیت مغزی نمی دیدم. جالب آنکه این لغات هیچ وقت فراموش نمی شدند و نیازی به حفظ کردن نبود چرا که در زندگی روزمره و در متن کتابهای درسی دیگر، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون کاربرد داشتند.

برای مثال آنها را حتی در متن درس ریاضی که هیچ نسبتی با آموزش عربی یا زبانهای خارجی نداشت می یافتم واژه هایی مانند (عدد، اعداد، کسر، جمع، تفریق، معکوس،

فرد، زوج، حد، مشتق و ...) دائماً تکرار می شدند و نیازی به فشار آوردن به مغز جهت حفظ مقایسه این واژه ها نبود.

در همان زمان درس زبان انگلیسی نیز چنین بود و اینجانب واژه هایی مانند رادیو - تلویزیون، کتاب، فن - fan - هد head - فوتبال football - بسکتبال basketball - فیلم film - roman - brother برادر - mother مادر و ... را خیلی راحت تر از واژه هایی مانند unpredictable و delicious و appropriate و misleading و sympathetic و

پایه ای و غیره یادگیری آسانتر واژه های مشترک از نظر مفهوم برای

اینجانب در تمام دوران تحصیلات راهنمایی و دبیرستان و حتی دانشگاه جریانی زنده و پویا بود هر چند از نظر لفظ باعث ایجاد عاداتی بدی هم شده اند ولی از نظر مفهوم، قرابت ها تسهیل کننده بودند.

این قضیه، یعنی یادگیری آسانتر واژه های مشترک اینجانب را بر آن داشت انگشت بر این مشترکات بگذارم و کمی وقت را روی آنها صرف نمایم. در ابتدا در سال ۱۳۷۶ هدف اصلی، تعیین آنها جهت رفع دفع وقت در هنگام امتحان بود.

در حقیقت واژه های مشترک برای اینجانب به منزله ای استفاده از داروهای نیروزا برای ورزشکاران بود. برای مثال برای واژه paradise خدمت را چنین توجیه می کردم که paradise همان پردیس ماست و یا حداقل به پردیس شبیه است و یا واژه array همان واژه «آرای» به معنی آرایش و آراستن ماست.

پس اگر این واژه را در متن درس یا سوال امتحانی یا جایی می دیدم، مفهوم اصلی paradise از ذهنم خارج شده بود به مفهوم «پردیس» و «آرای» فارسی که از پس در ذهن داشتیم به عنوان واژه هایی بومی رجوع می کردم و قرابتی که از قبل بین این دو واژه در نظر گرفته بودم یک ابزار کمکی بود تا به مفهوم اصلی برسم.

در سال ۷۸ بعد از مطالعات خاص روی مبحث زبانشناسی و تاریخ دریافتیم که ما می توانیم این مساله را کاملاً جدی بگیریم و لیستی از این واژه ها تهیه نمایم و نقاط مشترک را با زبان انگلیسی مشخص کنیم شاید کسانی باشند که مثل اینجانب نقاط مشترک به آنها در یادگیری کمک می نماید. بنابراین دست به کار شدم. و شروع به نوشتن فیشهای اولیه کردم.

تهیه این فیش ها وقت زیادی از من گرفت هر روز این فیش ها را می نوشتم در خانه ، در اتوبوس ، داخل کلاس ها ، هنگام تدریس و هر جایی که فکرش را بکنید . آنها را در خانه انباشته کردم . واژه ها از همه جا جمع می شدند برای مثال یک روز یادم هست در کلاس سوم راهنمایی واژگان را تدریس می کردم به واژه buy رسیدم و اینکه چگونه این واژه را تدریس کنم ناگهان دانش آموزی از دانش آموز دیگر خودکار خواست و او خودکارش را داد و گفت (بی) در ذهنم جرقه ای ایجاد شد . چقدر این (بی) به buy نزدیک است کمی متوقف شدم و بررسی همین است ما مازندرانها از واژه (بی) به معنی (بخر) و خریدن هم دائماً استفاده می کنیم . (احمد بور بازار قند بی) یعنی احمد به بازار برو قند بخر .

درنگ کردم گفتم : ها buy همان (بی) ماست مگر ما نمی گوئیم « مازیار بور کتاب فروشی ، کتاب زبان را بخرم یا بی بی » گفتند آری گفتیم منظور ما چیست ؟ گفتند یعنی « کتاب زبان سوم راهنمایی را بخرم خوب بچه های خوب buy هم به معنی « خریدن » است . فوراً فیش سروردم و آن را یادداشت کردم . البته می توانستم مفهوم این واژه را به روشهای دیگر هم بگویم یعنی خواستم به نحوه جمع آوری واژه ها اشاره داشته باشم .

همچنین جهت جمع آوری این واژگان به میان دیوارهای (خصوصاً پیرها) و با آنها صحبت کرده در لابلای صحبت آنها کلمات متشابه را مانند این از جریان آب رودخانه صید کردم همچنین برخی کتب تاریخی معتبر قدیمی و همچنین کتب مانند شاهنامه ، گلستان و بوستان سعدی ، دیوان حافظ و دیوان شمس و ... و فرهنگهای لغت فارسی مانند عمید ، معین ، دهخدا و ... و فرهنگ بزرگ طبری و فرهنگهای لغت انگلیسی مانند oxford و longman و ... را منبایی برای دریافت معنای اصلی و همچنین تلفظ و تلفظ قرار دادم و تنها به دریافت واژگان از متن جامعه بسنده ننمودم . لذا در سال ۸۲ شروع به پاکتویس متن اصلی کردم . نکته ای که در اینجا لازم می دانم ذکر کنم اینست که هدف اینجانب اثبات یکی بودن و یا هم ریشه بودن واژه ها نیست (هم ریشه بودن گویشهای ایرانی یا زبانهای آریایی (هندو اروپایی) توسط دانشمندان بزرگ اروپایی قبلاً کشف شده است) بلکه صرفاً اشاره به تشابه است . در سال ۸۲ وقتی به فیشها سر زدم انبوهی از آنها جمع آوری

شده بود لازم دیدم آنها را در یک مجموعه کنار هم قرار دهم. در پایان لازم می دانم از استاد ارجمند دکتر عبدالباقی رضایی ریاست محترم دانشکده علوم انسانی واحد قائم شهر و مدیرگروه آموزش زبان و ادبیات انگلیسی آن دانشگاه سپاسگزاری کنم. چرا که ایشان هم در دوران دانشجویی در آنجا و هم پس از فارغ التحصیلی مشوق اینجانب برای به تدوین آوردن این یادداشتها بودند.

همچنین از دوست عزیزم استاد علی رحمان پرست مدیر نشر مهربان نیکا و دکتر رضا عبادی خاکی باریکی بابت چاپ این مجموعه سپاسگزارم. درخاتمه از تمام همکاران و دوستان اهل نظر و تدعا دارم جهت رفع اشکالات با ارائه پیشنهادات ارزشمندشان اینجانب را در پر بار شدن و اصلاح و تکمیل آنه شده یاری رسانند.

(میرزا) علی صالحی

Mirza.Ali.Salehi

1379